

Investigating and explaining cultural-social barriers of Islamic lifestyle, educational enrichment from the perspective of Quran and narrations

Abstract

Undoubtedly, Islamic teachings play an important role in choosing an Islamic lifestyle because the source and basis of any lifestyle is one's beliefs.

An overview of the way, method and style of human life throughout history shows the fact that the acceptance of any style or way of life has a certain coherence and harmony with the support of individual beliefs and beliefs in which the educational method is directly involved. The discussion of religion and way of life in the divine religions has been considered for the guidance and happiness of human beings as the goal of human creation. Among the divine religions, Islam, as the most complete source of human guidance, has considered all the necessary methods and instructions to guide human beings. In this regard, God Almighty says: "An al-Din Andallah al-Islam ... religion in the eyes of God is Islam (and submission to the truth)." (Al-Imran, verse 19) Therefore, in this article, we examine some cultural-social barriers Islamic lifestyle, such as the abandonment of the Qur'an, weakness of belief, cultural eclecticism, disregard for the commandment of the good and the prohibition of the bad, etc., as well as effective educational mechanisms and mechanisms to remove these obstacles based on religious teachings.

Keywords: lifestyle, cultural barriers, social barriers, Islamic lifestyle

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۴۶۶-۳۴۴۷

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.351597.3725>

بررسی و تبیین موانع فرهنگی - اجتماعی سبک زندگی اسلامی با رویکرد تربیتی از منظر قرآن و روایات

ثریا برزگر نژاد^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

طیبه زارعی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

بدون شک آموزه های اسلامی نقش بسزایی در گزینش سبک زندگی اسلامی دارند چرا که منشا و مبنای هر نوع سبک زندگی باور و اعتقاد فرد است.

نگاهی اجمالی به شیوه، روش و سبک زندگی بشر در طول تاریخ گویای این واقعیت است که پذیرش هر نوع سبک یا روش زندگی انسجام و هماهنگی خاصی بایستوانه اعتقادات و باورهای فرد دارد که شیوه تربیتی در آن دخالت مستقیم دارد. بحث از آیین و روش زندگی در ادیان الهی برای هدایت و سعادت بشر به عنوان هدف خلقت انسان مورد توجه بوده است. در بین ادیان الهی، دین اسلام به عنوان کامل ترین منبع هدایتی بشر، تمام روش ها و دستورالعمل های لازم را برای هدایت انسان در نظر گرفته است. خداوند متعال در این زمینه می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ... دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است». (آل عمران، آیه ۱۹) لذا در این نوشتار به بررسی برخی موانع فرهنگی - اجتماعی سبک زندگی اسلامی از جمله مهجوریت قرآن، ضعف اعتقاد، التقاط فرهنگی، بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و... همچنین به بررسی و بسترسازی و سازوکارهای تربیتی موثر در رفع این موانع براساس آموزه های دینی پرداخته شده است. کلید واژه: سبک زندگی، موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، سبک زندگی اسلامی.

^۱ثریا برزگر نژاد استادیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران s.barzegar88@gmail.com

^۲طیبه زارعی استادیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران t.zareie18@gmail.com (نویسنده مسئول)

سپاس بیکران خداوند متعال که لایه لایه نعمتهای نامحدودش که به بشر ارزانی داشته است چگونه زیستن در این دنیای مادی که مقدمه دنیای دیگر نیز هست را آموزش داده است.

شیوه و روش و انتخاب سبک زندگی اسلامی یکی از مولفه های اصلی و اساسی دینداری است، تحقق سبک زندگی اسلامی نیازمند بستر مناسب است این بستر باید در تمام ابعاد زندگی انسان نهادینه شود لذا تربیت انسان براساس آموزه های دینی می تواند گره گشا باشد، باتوجه به اینکه انسان یکی از شگفت انگیزترین مخلوقات خداوند متعال است و شایستگی رسیدن به مقام قرآنی خویشتن یعنی خلیفه الهی را دارد رسیدن به این مقام زمانی اتفاق می افتد که روش و سبک زندگی اش را براساس آموزه های قرآنی براساس تربیت حقیقی صورت گیرد.

امام خمینی در این باره می فرماید: «انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت، تا برسد به آنجایی که مقام الوهیت است. سیر از طبیعت تارسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نبیند. این موجود قابل این است که از این طبیعت سیربکند و تمام معنویت ها را در خودش با تربیت صحیح ایجاد بکند و برسد به مقامی که حتی فوق مقام ملائکه الله باشد...»

انسان موجودی است که خدای تبارک و تعالی او را خلق کرده است برای این که همه ی جهاتی که درعالم هست، درانسان هست، منتها به طور قوه است، به طور استعداد است؛ و این استعدادها باید فعلیت پیدا کند، تحقق پیدا کند. «امام خمینی (ره)، ۱۳۶۱-۱۳۷۱ ش. ج. ۷ ص ۲۸۲»

سبک زندگی، مقوله ای است که در زندگی هر شخص و جامعه ای با هر دین، مذهب، اندیشه، نژاد، فرهنگ، موقعیت زمانی، زبان، تمدن، شرایط مکانی و... بروز می کند. هرکسی طبق هدفی که در نظر دارد، گفتار و کردار خودش را تنظیم می نماید. میان سبک زندگی و هدف زندگی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. یکی از انواع سبک زندگی که در جهان امروز، رایج و قابل مشاهده است، سبک زندگی اسلامی است که این سبک زندگی برآمده از آموزه های آخرین، کامل ترین و پاسخگوترین دین با نام اسلام است که از سوی خداوند متعال به دست آخرین، کامل ترین و برترین پیامبر الهی با نام محمد (صلی الله علیه وآله) به دست بشریت رسیده است.

با مطالعه زندگی مسلمانان امروزی ناخودآگاه متوجه تأثیر سبک و اندیشه های غیر اسلامی در زندگی آنان می شویم، این جوامع با ترک الگوگیری از آموزه های قرآنی، خود و اجتماع خویش را متوجه سبک های زندگی غربی کردند که هیچ سنخیتی با آموزه های دینی آن ها نداشته و خود را درگیر کجروی های فرهنگی و اجتماعی کردند که قرآن قرن ها پیش، آن را در آیات متعدد گوشزد کرده است. با شناخت سبک زندگی اسلامی و معرفی بازدارنده های فرهنگی و اجتماعی آن، می توان نقش مهمی در حیات بخشی زندگی مسلمانان داشت. لذا تربیت انسان برای گزینش سبک زندگی اسلامی بر مبنای آموزه های قرآنی و سنت ائمه خلائی است که در دنیای معاصر خیلی بروز پیدا کرده و موضوع اصلی این نوشتار می باشد. با شناخت سبک زندگی اسلامی و مؤلفه های آن که برگرفته از آیات و روایات است می توان راهکارهایی برای معضلات فرهنگی و اجتماعی جوامع ارائه داد که با به کارگیری آن ها و با هدفمند کردن شیوه زیستن انسان در دنیا و آخرت طبق آموزه های قرآن و روایات زمینه قرب الهی انسان را فراهم نمود.

مفهوم شناسی

ابتدابه و ارزششناسی مفاهیم پرکاربرد مقاله خواهیم پرداخت:

۱- سبک زندگی

سیستم خاص زندگی شامل اسلوب‌هایی است که به زندگی فردی و اجتماعی در ابعاد متفاوت هویتی خاص می‌بخشد. طبق سبک‌های زندگی، نمونه‌های متعددی از نوع بودن‌های وجودی را می‌توان مشاهده کرد. هر سبک زندگی خاص، ارتباطی خاص با نوع لباس پوشیدن، مصرف، معاشرت، خوراک، معماری و در کل آموزه‌های فرهنگی، اجتماعی و... دارد که در ایجاد شخصیت فردی و اجتماعی افراد نقش اصلی را بازی می‌کند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۳)

مفهوم سبک زندگی، ابعاد مختلفی از زندگی انسان را شامل می‌شود؛ نوع توزیع وقت روزانه در زندگی، نوع روابط اجتماعی در حوزه‌های مختلف، الگوی مصرف، خوراک، پوشاک، مسکن، آرایه‌گری، نوع هزینه جهت گذران اوقات فراغت و آثار هنری را می‌توان به عنوان برخی از مصادیق مفهوم سبک زندگی دانست. (صالحی و اکبرنژاد، ۱۳۹۲، ص ۲۵)

سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های فرد و جامعه می‌کند. (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۳) می‌توان سبک زندگی را مجموعه‌ای کم‌و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد.

سبک زندگی از حوزه مطالعات فرهنگی، به مجموعه رفتارها و الگوهای کنشی هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است، سبک زندگی مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. (کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۳۵)

سبک زندگی در علوم اجتماعی این است که به نام الگوی کنش‌های مرجح است یا کنش‌های مرجحی که دارای الگوست. پس بنا به این تعبیر سبک زندگی دو ویژگی اصلی دارد: یکی داشتن الگو و دوم اینکه در این کنش‌ها نوعی ترجیح وجود دارد؛ به این معنا افراد رفتارشان را برحسب اجبار یا عادت انجام می‌دهند، اما بعضی از رفتارهایشان هم برحسب انتخاب و ترجیح است. این انتخاب‌ها به باور افراد برمی‌گردد. این مناسبات یا الگومندی‌ها همان سبک زندگی است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶)

۲- سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی مرکب از سه واژه سبک، زندگی و اسلامی است که معنای زندگی و اسلامی روشن است اما در تعریف سبک در لغت‌نامه‌ها تعاریف مختلفی بیان شده است و این مسئله به خاطر کاربرد مختلف سبک در علوم مختلف است، واژه سبک به معنی شیوه و روش (معین، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۱۸۱۸)، گذاختن چیزی پس از ریختن آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۶، ص ۱۰۲۶) در اصطلاح «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های فرد یا گروه است و همچنین عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را شکل می‌دهند» (دهخدا، ۱۳۸۰، ص ۳۹)

سبک زندگی اسلامی «کنش و رفتار مطابق با آموزه‌های اسلامی است، به طوری که منش اسلامی در وجود فرد به عنوان یک نظام معنایی پایدار شده و در همه‌ی شئون، رفتار و کردار مسلمانان نمود یابد». (قطبی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲)

مفهوم سبک زندگی از دیدگاه اسلام به معنای شیوه‌ها و روش‌ها و پشتوانه‌های رفتاری افراد در زندگی است که از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی اخذ شده‌اند، این الگوها در چارچوب دین اسلام قرار دارند و از آن رهنمون می‌گیرند و مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی را تشکیل می‌دهند که در جهت رشد و پیشرفت جامعه در تلاش‌اند.

به دیگر سخن، در سبک زندگی اسلامی، رفتارها متکی به نیت الهی است و هر رفتاری نیازمند پشتوانه اعتقادی است. رفتاری همچون نماز، اگر از اعتقاداتی همچون اعتقاد به خدا و معاد و... پشتوانه نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نخواهد شد. (کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۳۴)

پس می‌توان گفت: بسترسازی «عبودیت الهی» در حیات انسانی را همان اسلامی بودن سبک و توحیدی بودن سبک زندگی دانست. توحید یک روش زندگی برای انسان‌هاست، دست قدرت‌های گوناگون را کوتاه کردن و خدا را در زندگی خود حاکم کردن است. پیام اصلی پیغمبر ما و همه پیغمبران، «لا اله الا الله» است، با تحقق توحید در زندگی جامعه بشری، آبادی دنیای بشر هم پیدا می‌شود، در این صورت دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان قرار می‌گیرد.^۲

پس این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اگر به توحید اعتقاد داشته باشیم اما در سبک زندگی بدان ملتزم نباشیم و رسم بندگی را به جا نیاوریم در نظر شهید مطهری (ره) گرفتار نوعی ماتریالیسم اخلاقی و شرک عملی هستیم. در این صورت فاصله بین اعتقاد و عمل ما زیاد است و اثری از تجلی توحید در ابعاد نظری و عملی فرد دیده نخواهد شد. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ص ۳۵۳)

لذا گزینش سبک زندگی اسلامی مبانی آداب و رسوم و رفتارها و خورد و خوراک انسان در تمام حیطه در راستای رسیدن به سعادت اخروی می‌باشد و به عبارت دیگر همان شیوه اسلامی زیستن در تمام ابعاد است.

۳- تربیت:

تربیت، مصدر باب تفعیل است که با سه ریشه ی «ربو، ربی»، «رب» و «رباً» در ارتباط است. برخی لغت‌شناسان، تربیت را از ریشه ی «ربو» یا «ربی» (« ناقص واوی، ناقص یائی) به معنای رشد، نمو، فزونی یافتن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۳) و پرورش (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۱۹۰۲ و ۱۱۹۰۷) می‌دانند.

برخی دیگر، آن را مشتق از «رب» (« مضاعف »)، در معانی مالک و صاحب اختیار، اصلاح، سرپرستی و رهبری کردن (ازهری، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۲۸، مُنعم، مدبّر، مربّی، قیّم و اصلاح‌کننده ی هر چیزی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۹۹) و نیز رشد و نمو (حسین ی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶) می‌دانند و نیز از ریشه ی «رباً» (مهموز)، در معانی مکان مرتفع، اشراف، مراقبت و محافظت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۸) اصلاح

^۲ - سخنرانی مقام معظم رهبری، سبک زندگی اسلامی، ۸۲/۷/۲.

(فیروزآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷) و نیز رشد و نمو (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱) به کاررفته است؛ بنابراین، وجه مشترک میان معانی هر سه ریشه، رشد، نمو، افزودن و پروراندن است که با تعریف اصطلاحی تربیت ارتباط مستقیم دارد.

اما در اصطلاح، اندیشمندان تعاریف متعددی برای تربیت ارائه کرده اند؛ از جمله: تغییر تدریجی و مرحله به مرحله تا رساندن به حد مطلوب (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۳۶)، فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن استعدادهاى فطری (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۵۵۱)، رفع موانع و ایجاد مقتضیات به منظور شکوفایی استعدادهاى انسان برای رسیدن به کمال و سعادت (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴؛ بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۳) که هدف از تربیت دینی، شناخت خدا ب ه عنوان ربّ یگانه‌ی انسان و جهان و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است (باقری، ۱۳۸۵، ص ۴۴)، بر این اساس، تربیت دینی در پی عینیت بخشیدن به انسان کامل است. (دوفصلنامه علمی - پژوهشی آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، مروتی، ۱۳۹۷)

مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

در این نوع سبک زندگی می‌توان از برخی از مؤلفه‌های آن همچون حیات حقیقی، توحید گرایی، توجه به معاد، تربیت بر اساس انسان کامل، توکل، تقوای پیشگی، خودباوری، عمل بر اساس سنت و سیره اسلامی، نشاط اسلامی و... نام برد.

الف. بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی که در باورها و ارزش‌های هر جامعه ریشه دارد، عوامل متعددی می‌تواند مانع تحقق این سبک زندگی شود که عوامل فرهنگی از مهم‌ترین آنهاست. برخی از بازدارنده‌های فرهنگی بر عدم تحقق سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه عبارتند از: غفلت از مسائل تربیتی، جهل، اسراف و تبذیر، بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر، بی عدالتی، زایل کردن حقوق متقابل، نفوذ سبک زندگی غیراسلامی، فاصله گرفتن از معنویات، دنیاگرایی، توجه افراطی به مادیات و... . مثلاً امام علی (ع) درباره جهل و نادانی در حکمت ۱۷۲ می‌گوید: «لا یزکو مع الجهل مذهب» هیچ آیینی بانادانی رشد نمی‌کند (تمیمی، آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۴) و در قرآن این آیه ۱۷۹ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ». در این قسمت به برخی از بازدارنده‌های فرهنگی همچون: مهجوریت قرآن، ضعف اعتقاد، التقاط فرهنگی، بی توجهی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر... به عنوان نمونه اشاره می‌شود.

مهجوریت قرآن

در این رابطه می‌توان سخن خود را با مطلبی از خطبه مولا علی (ع) شروع کرد: «... آنکه خداوند پیامبر را با چنین کتابی فرو فرستاد، نوری که چراغ‌هایش را خاموشی نباشد، چراغی که روشنایی‌اش به خاموشی نگراید، اقیانوسی که کسی را به ژرفایش دسترسی نباشد... چشمه ساری است که هر چه از آن برگیرند، فرو نخشکد، آبشخوری است که خیل واردان بر آن، از آن نکاهند. منزلگاهی است که مسافران، راه آن را گم نکنند... این کتاب دارویی است که دردی بر جای نمی‌نهد، نوری است

که با هیچ ظلمتی همراه نباشد. ریسمانی است که دست‌آویزش اطمینان‌بخش است و دژ است که بلندایش تسخیرناپذیر است...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹)

از نظر نگارنده مهجوریت تنها نخواندن آیات قرآن کریم نیست، چه بسا افرادی هستند که سخنانشان همان آیات الهی است اما در عمل کاملاً عمل شیطانی دارند؛ پس می‌شود قرآن در بین مسلمین باشد و خوانده شود اما مهجور باشد و اعمال اشخاص طبق الگوهای قرآنی نباشد.

از آنجایی که جامعه ما، جامعه اسلامی است و قرآن کتاب آسمانی ماست، افراد جامعه باید قرآن را بیاموزند، دستوراتش را در زندگی به‌کارگیرند به این صورت که قوانین فردی و اجتماعی خویش را بر پایه آن طرح‌ریزی کنند؛ یعنی برای تحقق یک جامعه‌ی قرآنی در همه حال باید این‌چنین با قرآن مانوس باشند.

انس با قرآن تنها به معنای حفظ و تلاوت زیبای قرآن نیست بلکه باید موجب توجه بیشتر و عمل به قرآن شود، نه آن‌که ظاهری از قرآن مورد توجه قرار گیرد و به اهداف اصلی بی‌مهری شود.

در قرآن کریم عوامل متعددی بر عدم انس گرفتن با قرآن بیان شده است. در جامعه دینی یکی از عوامل جذب افراد، داشتن معرفت قرآنی است که پاکی از گناه، مقدمه این مسئله است. (نساء، آیه ۴۹- نحل، آیه ۶۳- مریم، ۷۱) تکبر داشتن به خاطر مؤمن بودن، (شعرا، ۲۱۵- آل عمران، ۲۴) منت گذاشتن به خاطر دین‌داری، (حجرات، ۱۷) عمل به آیات قرآن کریم بر اساس سلیقه فردی، (محمد، ۲۰- انعام ۹۱- مائده، ۷۰- حجر، ۹۱- بقره، ۸۴) توسل به جبر و زور برای دین‌دار کردن، (یونس ۹۹ و ۱۰۴- انعام ۶۶- بقره ۲۵۶- هود ۱۲۲ و ۱۱۸ - رعد ۳۱- نحل ۳۷ و ۹۳) خارج از دین دانستن دیگران... (نساء ۹۴) را می‌توان به‌عنوان نمونه بیان کرد.

در آخر می‌توان گفت قرآن چون کتاب هدایت است لذا تمام دستورات آن در راستای تربیت انسان در زمینه جاری سازی سبک زندگی اسلامی است و اگر مهجور واقع شود و مورد توجه واقع نشود، زمینه طرد و مهجوریت سبک زندگی اسلامی پیش می‌آید.

ضعف اعتقادی

در جامعه با سبک زندگی غیراسلامی شاهد مواردی همچون حاکمیت خط شیطان، گسترده‌گی جهل و بی‌سوادی، انحطاط در تفکرات دینی، اختلاف و آشفتگی، جدائی، بیگانگی و بی‌خبری، حیرت و سرگشتگی، بی‌عاطفگی، قتل و خونریزی، تزلزل و عدم ثبات، گسترش ترس و وحشت، عدم رعایت حدود الهی، رسمیت یافتن گناه، چیرگی یأس و نومیدی، خواری دانایان و گرامی شدن جاهلان، کوردلی، انسان کشی و... هستیم که همه از ضعف اعتقاد نشأت می‌گیرد. جایگزینی خرافات و اوهام و باورهای نادرست در بین افراد به‌جای مباحث بنیادین عقیدتی یکی از تلخ‌ترین وقایعی است که امکان دارد در جامعه با سبک زندگی اسلامی ایجاد شود.

در سبک زندگی اسلامی، باورها و اندیشه‌ها نقش اساسی در زندگی فردی و اجتماعی افراد مؤمن بازی می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اعتقاد به خدا و رسالت انبیاء، اعتقاد به امامت، اعتقاد به معاد، اعتقاد به عدالت. فردی که خدا را ناظر و همراه

خود می‌بیند «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعَلَّمَ مَا تُوسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ - ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم» (ق ۱۶) تلاش می‌کند تا در برخورد با مردم، رضایت خدا را جلب نماید. توجه به عدالت خدا، اینکه هیچ ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی‌کند، زمینه شناخت اعتقادی دیگری است که پشتوانه تفکر یک مؤمن خواهد بود. توجه به صفات خداوند، توکل بر خداوند در همه امور زندگی یاریگر شخص مؤمن در حل مشکلاتش است.

در خطبه‌های نهج‌البلاغه نیز به موضوعات اعتقادی همچون توحید، نبوت، امامت و معاد و... توجه ویژه شده است. انسان آزاده در اصل و مبدأ هستی تفکر می‌کند. شناخت اصول نبوت و امامت مسائلی فوق‌العاده ضروری است. شناخت امام و معرفت مقام الهی او، یکی از مسئولیت‌های خطیر امت اسلامی است؛ به این معنا که معرفت امام یعنی آگاهی از دلایل نص و نصب امام، شناخت ویژگی‌های امام، علم به حوزه قدرت و تصرف امام در کائنات و آگاهی از اینکه امام، زبان گویای وحی و مفسر حقیقی قرآن است.

تذکر به این‌که شناخت امام یعنی ایمان و آگاهی به این حقیقت که امام حجت بالغه خدا و وصی پیامبر او بر روی زمین است. در نهج‌البلاغه، بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌ها به ویژگی‌های امام و رهبر جامعه اسلامی اشاره می‌کند که نقش اساسی در تربیت و معتقدسازی افراد مؤمن دارد. حالبه جهت طولانی نشدن مطلب، چند فراز از نهج‌البلاغه را در ذیل می‌آوریم: خطبه ۲ «هم موضع سره»؛ خطبه ۳ «اما و الذی فلق الحبه»؛ خطبه ۴ «بنا اهتدیتم»؛ خطبه ۱۰ «ان معی لبصیرتی»؛ خطبه ۲۲ «وانی لعلی یقین»؛ خطبه ۹۷ «انظروا اهل بیت»؛ خطبه ۱۱۶ «و لو تعلمون ما اعلم»؛ خطبه ۱۳۷ «و سیهک فی صفان»؛ خطبه ۱۳۰ «اللهم انک تعلم»؛ خطبه ۱۷۵ «و الله لو شئت»؛ خطبه ۱۸۷ «انما مثلی بینکم»؛ خطبه ۱۹۲ «انا وضعت فی الصغر»؛ خطبه ۱۹۷ «وقد علم المستحفظون»؛ خطبه ۲۱۶ «و قد کرهت ان»؛ خطبه ۲۳۹ «هم عیش العلم».

به این ترتیب، نخستین دلیل عنایت ویژه امام علی (ع) به مباحث عقیدتی چون توحید، نبوت و امامت معلوم می‌شود که همانا اهمیت فوق‌العاده این‌گونه مباحث و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در ساختن انسان و استحکام بخشی به پایه‌های فکری اوست؛ امری که اگر به درستی محقق نشود، امید و اطمینانی به ثبات قدم در عرصه عمل صالح و اصلاح اجتماعی نیست. تأکید بر تحکیم پایه‌های اعتقادی و عمل صالح بدون اندیشه پاک راه به جایی نمی‌برد و انحراف عقیدتی ایجاد می‌شود که یکی از خطرناک‌ترین آفت‌های جهان اسلام است.

با توجه آنچه گذشت؛ امیرالمؤمنین (ع) از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء الهی در اصلاح و تبیین عقاید، پرورش استعدادها و آشکارسازی آن‌ها، برداشتن غل و زنجیر از پای انسان‌ها و... می‌داند. «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِطَرَقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مَنْنِي بِطَرَقِ الْأَرْضِ - یعنی، ای مردم! از من بپرسید پیش از آن‌که مرا نیابید که من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌دانم» (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۸۹)

می‌توان نتیجه گرفت در سبک زندگی اسلامی، اعتقاد نقش مهم‌تر تعالی افراد دارد و بدون اعتقاد هیچ‌گونه عمل و حرکتی صورت نمی‌گیرد؛ موضوعات عقیدتی در ساختن باورها و رفتارهای انسان و جامعه اهمیت حیاتی دارند و بدون آن‌ها عمل صالح فرد و اصلاحات مصلحان اجتماعی به سامان نمی‌رسد و بهره‌چندانی

نخواهد داشت. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع) باورها و اعتقادات همانند توحید، نبوت و معاد نقش اساسی در تحکیم اندیشه افراد مؤمن دارند.

بی‌بهره ماندن افراد از این باورها، مشکلات متعددی را در پی خواهد داشت و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند. اعتقاد به خدا همه رفتارهای زندگی مؤمن را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد و اعتقاد به رسالت و نبوت از لحاظ فراگیری تعالیم دینی از اولیای دین و الگوپذیری در زندگی افراد خانواده، نقش اساسی دارد. همچنین اعتقاد به سرای پس از مرگ، خانواده را از بی‌معنایی و بی‌هدفی نجات می‌دهد و حلال مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... است و از بدرفتاری و تعدی به حقوق یکدیگر بازمی‌دارد. لذا ضعف اعتقادی آسیب‌های زیادی به سبک زندگی اسلامی می‌زند و خود یکی از بازدارنده‌های جاری شدن سبک زندگی اسلامی است چرا که شیوه و روش‌های اسلامی زیستن بر مبنای اعتقادات و باورهای افراد شکل می‌گیرد.

التقاط فرهنگی

التقاط به معنای برچیدن و گرفتن چیزی از زمین و دوگانگی رفتاری در سبک زندگی اسلامی است که ره آورد التقاط فکری است و یکی از بازدارنده‌های فرهنگی در سبک زندگی اسلامی است. التقاط موجب انحراف و دوگانگی رفتاری در سبک زندگی در دو بعد فردی و اجتماعی می‌شود. جایگاه این مفاهیم هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی حائز اهمیت است.

افرادی که دچار نوعی آشفتگی و التقاط فرهنگی هستند از یک سو تحت تأثیر تمدن غرب، از سوی دیگر تحت تأثیر زندگی اجتماعی دوران زندگی گذشته و از سوی متأثر از منابع دینی هستند. در فضای فرهنگی ایجاد شده، می‌توان گفت در کل فاقد یکسبک زندگی خاص هستند و سبک زندگی‌شان ترکیبی از عوامل مختلف است که از یک فضای ناهمگون از مسائل متضاد تغذیه می‌کند. عدم هماهنگی در فضای زندگی این نوع افراد، نشان از آشفتگی التقاط فرهنگی آن‌هاست.

با وجود این رفتارها، تمایز اندیشه‌های غیراسلامی و شبه‌اسلامی از اندیشه‌های اسلامی مشکل شده است و به همین اندازه در ترویج رفتار صحیح اسلامی اشکال ایجاد کرده است. حال ضرورت دارد برای حل این مانع سبک زندگی اسلامی ابتدا آنچه اسلامی نیست مورد تبیین واقع شود؛ به این صورت از پیامدهای سوء که در معارف اسلامی دارد، جلوگیری شود تا زمینه سوء تفاهم‌ها گرفته شود. شهید مطهری (ره) از «التقاط» به‌عنوان یکی از علل انحطاط مسلمین نام برده است.

می‌توان از التقاط با مثال‌هایی همچون «علم‌گرایی افراطی»، «بینش‌های مادی نسبت به جامعه و تاریخ و معارف قرآن»، «اجتهاد آزاد در مقابل اجتهاد فقهاتی»، «کم‌ارزش شدن علم در جوامع اسلامی» و... نام برد که عرصه سبک زندگی اسلامی را با خطر مواجه ساخته است. التقاط در سبک زندگی اسلامی، در ورود مفاهیم غیراسلامی به معارف اسلامی مشاهده می‌شود. شکل دینی دادن به آنچه مبنایی در اسلام ندارد یا آن مفهوم با مفاهیم اسلامی ترکیب شده است، به طوری که شناسایی آن دو از هم امکان‌پذیر نیست و محتاج درایت و بصیرتی دقیق است، که این علم نزد همگان نیست و باعث انحراف و ایجاد خرافه می‌گردد چون در التقاط حق و باطل باهم درآمیختند.

باید یادآور شد وجود معارف والا همچون توحید، تقوا، مرگ، شهادت و...؛ در عین حال شناخت آن معارف، عاملی دقیق در خروج از هواپرستی و بدعت‌گرایی است. در قرآن کریم مبنا و ریشه خیلی از انحرافات و بدعت‌ها را ناشی از بی‌معرفتی و کم‌معرفتی می‌داند که خداوند نسبت به شکل‌گیری التقاط در بخش معرفت و اندیشه‌های بنیادین به خشم می‌آید؛ «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ - وَأَيَّاكُمْ مِثْلُ الْكُفْرَانِ» (سوره بقره، آیه ۱۷۵). کسی پیدا می‌شود؟». (قصص ۵۰)

در بیانات امام علی (ع) نکات بسیاری در التقاط معرفتی در سبک زندگی قابل برداشت است. در سبک زندگی غیراسلامی، التقاط (آمیزه‌ای از حق و باطل) شکل می‌گیرد؛ به این صورت که خود شخص هم متوجه آن نیست که دچار چه التقاطی شده است و ممکن است اثرات سوء آن به‌زودی وجودش را فراگیرد. (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۵۰) می‌توان از آثار سوء التقاط شروع خطاهای جریان‌های فردی و اجتماعی، هواپرستی، انسان‌مداری به جای خدامحوری، بدعت‌دراحمکام و قوانین، بی‌توجهی به قرآن، استیلای افراد غیردینی، بی‌اعتنایی و کم‌توجهی به قرآن، خودپرستی و هواپرستی درونی، حکومت اراده شیطان بر مردم به‌جای اراده خدا و... را نام برد. (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۵۰) امام علی (ع) به‌عنوان راهکار بیان می‌دارد: اگر باطل از حق جدا شود هیچ حق‌گویی دچار التقاط نمی‌شود: «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُتَدِينِ»؛ (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۵۰) و اگر حق هم از باطل بیرون نمی‌آمد دهان کج‌گویان بسته می‌شد و راهی برای زیاده‌گویی نداشتند: «وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ» (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۵۰)

از منظر امام علی (ع) ورود التقاط در سبک زندگی اسلامی باعث ترکیب حق و باطل، مشتبه‌سازی آن در تمام ابعاد می‌گردد. «و إِنَّمَا سَمَّيْتُ الشَّبَهَةَ لِأَنَّهَا تَشْبَهُ الْحَقَّ» (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۳۸)؛ تنها افرادی نجات می‌یابند که مشمول رحمت خداوند قرار گیرند، «يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى». (انبیاء، ۱۰۱)

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که آموختن تعالیم و معارف الهی و جاری‌سازی آن‌ها در زندگی، چه در حیطه فردی و چه در حیطه اجتماعی می‌تواند حالتی پارسایی در انسان به وجود آورد تا به‌مثابه چراغی روشن تمام نقاط گمراه‌کننده اندیشه را صافی بخشد و زندگی مؤمن را در این سرا با سبک زندگی اسلامی تعالی بخشد.

بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر

عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مسائل مورد نظر در سبک زندگی غیراسلامی است. چنانچه فردی بی‌تفاوتی به این فریضه مهم داشته باشد به تدریج بی‌تفاوتی در زندگی او حاکم می‌شود و چنین شخصی از حیات سعادت‌مند محروم می‌شود. قرآن کریم حیات حقیقی را تنها در پرتو ایمان و عمل صالح می‌داند و ترک امر به معروف و نهی از منکر به‌طور کلی و در یک سیر تدریجی انسان را از حیات طیبه و راستین محروم می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۴۲)

ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی از موانع سبک زندگی اسلامی است. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، به خاطر خداوند دوست دارد و به خاطر خداوند دشمن دارد. آیات و روایات بسیاری از امر به معروف و نهی از منکر سخن

گفته‌است و از این فریضه مهم الهی نام برده‌است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ - شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید». (آل عمران، ۱۱۰) از زمینه‌هایی که باعث می‌شود افراد در زندگی غیراسلامی از این واجب فراموش شده دوری کنند، می‌توان به تظاهر اشاره کرد؛ زمینه‌های دیگر همچون، ضعف ایمان و فقدان آگاهی نیز مواردی هستند که زمینه‌ی ترک امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌کنند. برای رفع این موانع باید به فرهنگ‌سازی ویژه از جمله نظارت مردمی پرداخت و با بهره‌گیری از جذابیت هنری و تصویری، پیام‌رسانی‌های مؤثر و متنوع داشت. امام علی (ع) می‌فرماید: «معروف زرعی است از پرنفوذترین زراعت‌ها و گنجی است از برترین گنج‌ها، اگر کسی معروف را انکار کرد مبدا عمل وی تو را از انجام معروف بازدارد». (فلسفی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۵) یکی از زمینه‌های جاری شدن سبک زندگی اسلامی توجه به امر به معروف و نهی از منکر است؛ پس بی‌توجهی نسبت به این مهم، می‌تواند یکی از بازدارنده‌های جاری شدن و تعالی سبک زندگی اسلامی باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر باعث عدم استجابت دعا می‌شود، دعا می‌کنید ولی دعایتان به اجابت نمی‌رسد». (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۲) همچنین فرموده‌اند: «سلب برکات الهی، شراکت در گناه، دخالت و سلطه بیگانگان، دوری از رحمت الهی، عذاب فراگیر، مبارزه با خدا و ... نیز نشان از این امر است». (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹-۲۴۰) «آن‌کس که زشتی‌ها را در دل و به‌وسیله دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۳۲) امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس همسایه‌ای دارد که اهل معصیت است و او را نهی نمی‌کند، در گناه او شریک است». (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۸۳) «هرگاه کسی، منکر را مشاهده کند و آن را انکار ننماید درحالی‌که قدرت برانکار دارد... آشکارا به دشمنی خدا برخاسته است». (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ص ۳۹) بنابراین باید نتیجه گرفت هر کس با عده‌ای در رفتارشان موافق باشد و به اعمال آن‌ها رضایت دهد، اگرچه در عمل آن‌ها را یاری نکند، از آنان محسوب می‌شود؛ رضایت قلبی او نسبت به فعل گناه و اظهار ناراحتی نکردن در برابر منکر، به معنای رضایت به گناه آنان است، این عمل او را نزد خدا شریک جرم معصیت‌کاران قرار می‌دهد. بنابراین بی‌توجهی نسبت به این فریضه الهی ارتباط مستقیم با سبک زندگی غیر اسلامی دارد در صورتیکه جاری شدن سبک زندگی اسلامی نیازمند بستر مناسب است و توجه و اهتمام نسبت به این مهم شاخصه‌ی افراد مومن و دارای سبک زندگی اسلامی است.

ب. راهکارهای رفع موانع فرهنگی - اجتماعی سبک زندگی اسلامی

۱- انس با قرآن

انس با قرآن به معنای همدم بودن، خو گرفتن، داشتن ارتباطی مستحکم، مؤثر و هدفمند است. هدف انس با قرآن در هدف نزول قرآن‌نهادینه شده است. پس بر اساس این تعریف انس با قرآن یعنی آموختن قرآن، حفظ قرآن، فهم قرآن و عمل به قرآن است، در صورتی که باعث تغییر رفتار شود و آن رفتار قرآنی، آرامش معنوی را با خود به ارمغان آورد و پاسخگوی دغدغه‌ها و رفع بازدارنده‌های جامعه با سبک زندگی غیر اسلامی باشد.

برای ارائه راهکار، باید ابتدا بازدارنده‌ها را از نگاه تعالیم قرآنی شناخت و محتوا و صورت مناسب با دین که باعث جذب افراد بی‌دین شود نه آن‌که افراد متدین خود را نیز طرد کند.

انس با قرآن در جامعه به سبک زندگی اسلامی تنها قرائت نیست، بلکه کاربردهای عیدیه‌ای دارد. به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری‌های حکیمانه‌ی رهبر انقلاب اسلامی، فهم اصول سبک زندگی اسلامی بالأخص انس با قرآن به صورت کاربردی ارائه شد که موجب قدرت و پویایی جامعه اسلامی شده است؛ در این نگاه، دین نه تنها برای محدود کردن انسان‌ها نیامده است بلکه طبق قاعده نفی سبیل نقشه راه مسلمین رانیز ترسیم نموده که بکار گرفتن همان اصول در تمام زمینه‌ها سعادت انسان تضمین می‌شود.

امام علی (ع) با تشبیهات زیبایی قرآن را به اقیانوسی ژرف تمثیل می‌کند که کسی به عمقش نمی‌رسد، هدایت‌گر مسافران است... (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

در ارائه راهکار انس با قرآن باید گفت خداوند در دین شما هیچ سختی قرار نداده است؛ «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج ۷۸) - در دین (اسلام) کارسنگین و سختی بر شما قرار ندارد». توجه به زیبایی‌های دین: «خود را ذریبیرای و زیبا کن که خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد، اما باید که از حلال باشد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۴۰) «با آراستگی لباسش و خوشبو کردن بدنش و تمیز کردن خانه‌اش». (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۹) در این حرکت فرهنگی، کارکرد هنر انکارناپذیر است و ترویج قرآن در قالب‌های هنری همچون داستان و... مهر صحت این مطلب است.

انتقال حس مذهبی با به‌کارگیری عملی اصول اسلامی در خانواده، تأثیر درست و کارشناسی اعمال والدین، معلمان و مبلغان در زمان سن الگوگیری فرزندان، انتخاب دوست خوب برای فرزندان «وَيَوْمَ يَعْزُ الزَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا؛ یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً- و روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش بارسول (خدا) راهی برگزیده بودم؛ ای وای بر من، کاشفان (شخص گمراه) را دوست خودانتخاب نکرده بودم». (فرقان ۲۷ و ۲۸) با برپایی جلسات پرسش و پاسخ مسائل دینی، معرفی شخصیت‌های اسلامی و قرآنی، بیان معارف قرآن اعم از اخلاق، احکام و عقاید در قالب‌های مختلف و جذاب با زبان خاص مخاطبان، آموزش روخوانی، تجوید، حفظ و اطلاعات قرآنی و... می‌توان محتوای کلام الهی را با شیوه صحیح به مخاطبین ارائه داد تا طبق روح حاکم بر تعلیمات قرآن کریم در انسان‌سازی الهی مؤثر باشیم. رسانه‌ها نیز در این سیر می‌توانند نقش به‌سزایی داشته باشند؛ زیرا الگوسازی از طریق آن‌ها امکان‌پذیر است و اسطوره‌ها و الگوهایی که اکنون در جامعه رشد کرده‌اند، عمدتاً هنرمندان هستند (موسیقی‌دانان، آهنگ‌سازان، خوانندگان، کارگردانان و بازیگران سینما و تلویزیون). هنرمندان متعهد می‌توانند با استفاده از شیوه‌های مختلف هنری، شخصیت‌های مثبت و ذخیره‌های معنوی جامعه را به‌عنوان اسطوره و الگو به جوانان معرفی کنند؛ این روند می‌تواند در ایجاد انس مخاطبان با فرهنگ قرآنی مؤثر باشد. بنابراین اساس و مبنای سبک زندگی اسلامی عمل به دستورات قرآن که بهترین منبع هدایتی است زمانی میسر می‌شود که در بطن زندگی انسان بوده و با آن انس بگیرد.

بصیرت دینی

بصیرت دینی یکی از مؤلفه‌ها و راهکارها در سبک زندگی اسلامی است؛ این راهکار در جهت اعتلای دین و بقای آن در زندگی فردی و اجتماعی است؛ این مسئله باید با رهبری اسلامی همراه باشد تا بیداری اسلامی نقش واقعی در زندگی مسلمانان داشته باشد. بدیهی است باید آن بیداری به کل جهان صادر شود و با اتحاد جهانی و بیداری اسلامی مسلمین نقش مؤثری در جهانی شدن اسلام و ایجاد تمدن اسلامی داشته باشند.

در سبک زندگی اسلامی، در برابر جهل و غفلت ورزی، از آگاهی و بصیرت دینی سخن می‌گوید. شخص مسلمان حق گو و حق طلب است، بصیرتی بالا دارد، وارد انحرافات و فتنه‌ها نمی‌شود و از ارزش‌های اسلامی برای دفاع از دین خود حفاظت می‌کند.

فرد مسلمان در حقانیت و بیداری مسلمانان کل جهان، تلاش می‌کند، به‌گونه‌ای که اگر در این تلاش، جان خویش را از دست بدهد به بهترین و بالاترین مقام در زندگی دست یافته است. همان‌طور که در قرآن کریم آورده شده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ - (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». (آل عمران، ۱۶۹)

مسلمان بیدار همچنان‌که با نفس خویش در مبارزه است، به همان گونه با دشمن بیرونی هم سر جهاد دارد. شامل تمام افراد یا جوامعی که با بشریت سر ستیز دارند و هدفشان انحراف انسان‌هاست و در هر لباسی باشند و در هر نقطه‌ای از جهان باشند. «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكُوَّأَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ - ای مؤمنین اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اطاعت کنید شما را به عقب (به کفر و جهالت دوران جاهلیت) باز می‌گردانیم پس زیانکار خواهید شد». (آل عمران، ۱۱۰) از سوی دیگر به هر مسلمانی در هر جایی که کمک بخواهد، یاری می‌رساند و صدای اسلام را به آن‌ها می‌رساند.

در جوامع غیرالهی همیشه تناقض در ارزش‌ها و هنجارهایشان به چشم می‌خورد اما در جوامع الهی که مسلمانانی بیدار هستند حافظ ارزش‌های الهی از جمله اعتقادی و اخلاقی است. برای دست یافتن به بصیرت دینی وجود رهبر اسلامی اولین ضرورت جامعه است. با وجود امام، افراد می‌توانند مشعل هدایت را در دست داشته باشند. با این بیان امام چراغ راه بصیرت دینی است که با رجوع به قرآن و امام‌شناسی در دوره غیبت می‌تواند بصیرت ایجاد کند؛ چون با شناخت امام می‌توان حتی هدف خلقت را شناخت. پس بصیرت دینی با رجوع به منابع اسلامی و تبعیت از آن‌ها امکان‌پذیر خواهد شد؛ «هر که نیزه خشم خود را به خاطر خدا تیز کند بر نابود کردن سخت‌ترین باطل‌ها توانا گردد». (سید رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۱۷۴)

اسلام با برپایی حکومت عدل الهی در بین جوامع می‌کوشد ابتدا پیام اسلام را به جهانیان برساند و در ادامه تفرقه بین مسلمین را از بین برده و با مبارزه با استبداد و سلطه‌گری، ریشه ظلم را بخشکاند و تمدن اسلامی و حکومت امت اسلامی را پایه‌ریزی کند. مسلمانان با عبودیت خالصانه، به فکر پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی هستند. این بیداری اسلامی تنها با پیشرفت به همراه تقوا، ایمان و حقانیت دانستن دین اسلام در جوامع استقلال یافته به وجود می‌آید. «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ - از هوی و هوس‌های آنان پیروی نکن و از احکام الهی، روی مگردان» (مائده، ۴۸) «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ - این‌ها حقیقتی است از جانب پروردگار تو بنابراین، از تردید کنندگان مباش». (مائده، ۶۰)

یکی از عواملی که باعث می‌شود بصیرت دینی ایجاد شود اتحاد و همبستگی بین مسلمین است که در برابر ابرقدرت‌ها استقامت داشته باشند. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» - و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید». (آل عمران، ۱۰۳) امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحِلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَالْفُرْقَةَ الْفِتْنَةُ» - همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گروه‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، پراکندگی را به شما بدهد و در پراکندگی شما را دچار فتنه گرداند». (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۲۱)

درک درست از زمانه خود و اهداف الهی در مقابل شناخت دشمنان و اهدافشان، نوعی بیداری و بصیرت دینی را برای مسلمین به همراه دارد. این شناخت باعث می‌شود حرکتی انقلابی و به‌جا در برابر طاغوتیان زمانه انجام شود و جوامع از عوامل انحراف دور شود. «لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» - ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید». (نحل، ۳۶) لذا اساس سبک زندگی اسلامی بصیرت و معرفت و شناخت در تمام عرصه‌ها می‌باشد و یکی از ویژگی‌های بارز مومنین داشتن بصیرت دینی است.

اهتمام به تعلیم و تربیت اسلامی

اسلام دینی است که هدفش، کمال مطلوب انسان است. کمال مطلوب آدمی در دست‌یابی به قرب الی الله است؛ همین همسو بودن تعلیم و تربیت اسلامی، با هدف رشد انسان به سوی کمال واقعی (قرب الی الله) است که شیوه‌ای راهگشا در جهت بسترسازی و تربیت صحیح و مطلوب اسلامی است. تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس نظام خاص زندگی است که برای فرد در ابعاد مختلف، شیوه زندگی خاصی را طرح ریزی می‌کند؛ همین برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمین منعکس می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۲، شماره ۱۸۵، ص ۶)

در تعلیم و تربیت اسلامی، جایگاه انسان در عالی‌ترین مرتبه مد نظر قرار گرفته است؛ در این نمونه عالی پرورش، استعدادهای فطری انسان تعالی می‌یابد؛ به این معنا آدمی برای آنچه ساخته شده‌است، تربیت می‌شود. در این شیوه زندگی، هدایت استعدادهای بشری طبق آیات قرآن کریم، بر اساس برنامه و الگوی تربیتی رسولان و ائمه اطهار (علیهم السلام) صورت می‌گیرد. این شیوه زندگی، بهترین و جامع‌ترین الگوی انسان‌سازی است. تربیت اسلامی با فطرت انسان هماهنگ است. (سیدرضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱)

در این گونه سبک زندگی برای تعلیم و تربیت علاوه بر دانش، باید طبق معارف قرآن کریم، سنت و سیره معصومین و شناخت ضروریات عصر خویش کارکرد. شناخت زمانه خویش یکی از مؤثرترین عاملی است که بلیغ بودن روش یک تعلیم دهنده را پشتیبانی می‌کند. (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵-۳۰۱)

در تعلیم و تربیت اسلامی، خدامداری به عنوان اصلی اساسی است که تربیت اسلامی را از گونه‌های تربیتی دیگر متمایز می‌کند؛ طبق این اصل، تمام رفتار آدمی بر مبنای معیارهای خداوند سنجیده می‌شود، تا رضایت الهی کسب شود. یک مربی باید سعی در تربیت طبق آن ملاک‌های الهی داشته باشد؛ حرکت طبق مشیت حکیمانه الهی در نظام خلقت، جلوه زیبایی از اصل خدامحوری در زندگی است. (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۸۳)

«إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ - تَنهَا هِدَايَتِ خَدَاوَنَد، هِدَايَتِ اسْتِ وَ مَا دَسْتُور دَادِيم كِه تَسْلِيمِ پُروردگار عالمیان باشیم». (انعام، ۷۱) «أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ - مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند». (محمد، ۳)

خدامحوری در تعلیم و تربیت اسلامی، باعث رشد روحیه بندگی در افراد می‌شود. حالتی از پرستش متواضعانه در برابر امر و نهی الهی، انگیزش و قدرتی بی‌پایان در مؤمن ایجاد می‌کند که هیچ عاملی نمی‌تواند او را از پای در بیاورد.

اسلام رشد انسان را در دو حیطه فردی و اجتماعی پی‌ریزی می‌کند و نقش‌آفرینی عمل مؤمن در حیطه فردی و اجتماعی، طبق دستورات الهی نشان از ترغیبی آگاهانه است. مؤمن در چارچوب تربیت دینی، در متن زندگی ایفای نقش می‌کند به همین اساس هرگونه فردگرایی و داشتن روحیه مرتاضانه را مذموم می‌داند. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۱) تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را مسئول اعمال خویش می‌داند. (مدثر، ۳۸) خداوند ناظر بر اعمال آدمی است به گونه‌ای که همه چیز ضبط خواهد شد. (ق، ۱۸) خداوند شاهد اعمال انسان است. (آل عمران، ۹۸) در چارچوب اسلام افراد باید نفس خویش را تزکیه کنند، چون خودسازی دارای جایگاه والایی است. در این نظام هرگونه نیکی یا بدی به فرد برمی‌گردد، پس لازم است هر فرد قبل از هدایت دیگری، ابتدا خویشتن خویش را اصلاح کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَهَا - هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده رستگار شده و آن‌کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است» (شمس، ۹ و ۱۰) اهمیت این مسائل از آن روست که در جریان تعلیم و تربیت اسلامی، هر مسلمان وظیفه دارد دیگری را به سوی کمال و هدایت‌گری الهی هدایت کند. این شیوه در آیات الهی مورد ستایش قرار گرفته است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ - چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن‌کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم» (فصلت، ۳۳) ملائمت و مدارا بهترین شیوه برای نرم کردن دلها، و همراه ساختن جانها در مسیر تربیت است. از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود هرکه در امور خویش، ملائمت در پیش گیرد، به آنچه از مردم می‌خواهد میرسد. هیچ چیز چون ملائمت و رحمت، و آسانگیری و نرمی در تربیت دل آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی مؤثر نیست، زیرا بدینوسیله است که عواطف آدمی تلطیف و تعدیل می‌شود و کوری ناشی از غلظت و خشونت به بینایی ناشی از لطافت و رقت تبدیل می‌گردد. از اینرو بهترین راه ورود به قلبها و تربیت انسانها ایجاد میل و رغبت است که جز بر اساس آیینی ملایم فراهم نمی‌شود، زیرا راه و رسم های خشن در تربیت قلب را کور و به دور از بصیرت می‌گرداند و عواطف انسانی را زایل می‌سازد. امیر مؤمنان(ع) در بیانی نورانی فرموده است: دلها را میلی است و روی آوردنی و پشت کردنی، پس دلها را آنگاه به کارگیری که خواهان است و روی درکار، زیرا دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد. پیشوایان حق پیروان خود را به رعایت تسهیل و تیسیر در تربیت می‌خواندند و آنان را از سخت‌گیری های نابجاحتی در عبادتهای مستحب پرهیز می‌دادند. امیر مؤمنان(ع) در نامه ای که به ((حارث همدانی))

از خواص اصحاب خود می نویسد، وی را چنین توصیه می کند: نفس خود را برای عبادت و بندگی برانگیز و با آن مدارا کن و مقهورش مدار، و بر آن آسان گیر و به هنگامی که نشاط و فراغتش بود، روی به عبادت آر، جز در آنچه به تو واجب است که باید آن را به جای آری و در وقت آن بگزاری. برای سیر دادن خود به مراتب بالاتر از واجبات الهی باید انگیزه و رغبت ایجاد کرد و آن گاه نفس را به حرکت واداشت که دل را باید به ملایمت و مدارا رام کرد و راه برد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۶۲) می توان این چنین نتیجه گرفت: تعلیم و تربیت اسلامی در سبک زندگی اسلامی سعی در رشد استعداد های فطری انسان دارد؛ حال برای شکوفایی این استعدادها، باید طبق روش تربیتی اسلام در تمام جهات و مراحل رشد انسان، اصولی را به کار گیرند که نتیجه آن رضایت الهی شود.

اهتمام به معنویت و عبادت در اسلام (آرامش قلب در اسلام)

آرامش و خیالی آسوده، گمشده آدمی است که برای حصولش، خود را به آب و آتش می زند. چه بسیار راه ها می رود که آرامش را به دست بیاورد؛ اما هستی انسانی خویش را نیز، از دست می دهد.

روح آدمی فراخور نیازهایش به تکاپو می افتد؛ در حقیقت بسیاری از تلاش های بشریت نیز برای رسیدن به این هدف رفع نیاز است. برخی افراد به غلط برای رسیدن به آرامش، به جمع آوری مال و ثروت اندوزی روی می آورند در حالی که این موارد چیزی جز ابزاری برای رسیدن نیستند. در سبک زندگی اسلامی آدمی نباید خود را، وسیله به دست آوردن این ابزارها گرداند؛ رشد و تعالی روح انسان تنها از طریق معنویت و عبادت است. انسان موجودی دو بُعدی است و بُعد معنوی به بُعد ماده، هستی می دهد. دین، معنویت و عبادت تنها راه وصول به آرامش است؛ چون انسان در آغاز راه باید خویشتن خویش را پیدا کند.

راه حل درست برای وصول آرامش واقعی، ورود به عبادت و رشد معنویت است؛ دنیاگرایی همیشه با اضطراب همراه بوده است و عالم معنا هم همیشه با ثبات و آرامش همراه است. در معنویت خدا برای آدمی تعیین هدف می کند؛ خدا عامل ایجاد آرامش آدمی است و هدف خلقت انسان رسیدن او به قرب الهی است. (قیامت، ۲)

در سبک اسلامی صبر و صلا، بهترین منبع آرامش، رشد و تعالی است که نعمت های آخرت را جذب خواهد کرد؛ امام علی (ع) می فرماید: «لا ینعم بنعم الآخرة إلا من صبر علی بلاء الدنیا - بر نعمت آخرت انعام داده نمی شود، مگر کسی که بر بلای دنیا صبر کرده باشد». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۱۶، ح ۷۸۲)

امام علی (ع) می فرماید: «...مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسْهًا قَاتِلٌ سَمَّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكَ مِنْهَا... - مثل دنیا مانند مار است که پوستی نرم و زهری کشنده دارد، بنابراین از جاذبه های فریبنده آن روی گردان، زیرا زمانی کوتاه در آن خواهی ماند...». (نهج البلاغه، نامه ۶۱)

اگر فرد به دنیا وابسته و دل بسته نباشد، زمان از دست دادن آن ظواهر فریبنده، افسرده نمی گردد، چون آنچه ارزش والا در نزدش دارد، جز خدا و کسب رضایتش نیست؛ بنابراین رشد معنوی، موجب تعادل در رفتار می شود تا به هنگام داشتن نعمت ها، مغرور و به هنگام سختی ها، سرخورده نشود.

ارتباط با خداوند در زندگی مؤمن به شکل انجام عبادات، عامل اطمینان قلبی اوست؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» - آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». (رعد، ۲۸) از سوی دیگر عواملی که عبادت شمرده می‌شوند و جزء معنویات هستند، شامل؛ تفکر، (اعراف، ۱۸۵) ترک رذایل، (کافی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۱) نیکی کردن (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۶۳۹) و... می‌باشند، که در مقابل؛ پیروی از شهویات، (مریم، ۵۹) جهل، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۲۵، ح ۲۱۷۳) کفر ورزی (حجرات، ۷) و... عوامل دوری از معنویات هستند.

طبق منابع اسلامی پرداختن به عبادات و معنویات تنها راه برای رشد معنوی و تعالی فردی است؛ سعادت آدمی در پرداختن به این امور با تفکر است. علم و عبادات دو عاملی است که می‌تواند آدمی را از هر نوع دنیا طلبی، غرور و... نجات دهند.

احیا سنت امر به معروف و نهی از منکر

سرنوشت جامعه، بسته به سرنوشت افراد آن جامعه است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، برای حفظ قوام اجتماع انسانی و پویایی جامعه، ملزم به رعایت قوانین، بایدها و نبایدها است. بدیهی است که بی‌اعتنایی به قوانین و ارزش‌ها، سبب اختلال نظام و فروپاشی اجتماع می‌گردد و معضلات فراوانی را برای فرد و جامعه به همراه می‌آورد. از این رو عقل حکم می‌کند برای صیانت از کیان جامعه اسلامی همه شهروندان اولاً باید خود عامل به معروف‌ها و دوری کننده از منکرات باشند و ثانیاً دیگران را نیز به انجام معروف‌ها و خوبی‌ها و داشته‌ها، از ارتکاب منکرات و بدی‌ها باز دارند؛ بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از آموزه‌های بنیادین اسلام است که در ساختار اجتماعی و سیاسی تمدن اسلام نقش مؤثری دارد. برای امر به معروف و نهی از منکر، انزجار قلبی، امر و نهی زبانی، تذکر مشفقانه، مؤدبانه و محبت‌آمیز با کلمات سنجیده، در آخر با حکم شارع از توسل به زور را به عنوان مراحل انجام آن در نظر گرفته‌اند.

در قرآن کریم برای رسیدن به وحدت، انسان‌ها را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت کرده‌اند که رستگار شوند. (آل عمران، ۱۰۴) ویژگی حزب‌الله را داشتن امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. (مجادله، ۲۲) کسی که این واجب را انجام می‌دهد، در زمره جانشین خدا و رسول قرار می‌گیرد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۲۰) همچنین امام علی (ع) اعتراف کننده منکر را، زنده می‌داند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۴۸)

این واجب، عامل تثبیت ارزش‌ها، ارشاد بیرونی و رشد معنوی مؤمنان می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۲۹) امام علی (ع) در سخنان گهربارش می‌فرماید: «خداوند امر به معروف را به خاطر مصلحت توده مردم و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان، تشریح و واجب کرد». (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۵۱۲)

امام علی (ع) در بیانی دیگر می‌فرماید: «تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریای پهناور است». (سید رضی، ۱۳۸۴، کلمات قصار ۳۷۴)

افراد اجتماع با امر به معروف و نهی از منکر، این کشتی جامعه را به ساحل نجات می‌رسانند. در جامعه اسلامی افراد نسبت به همدیگر مسئول هستند، چون حفاظت از جامعه در گرو حفاظت افراد است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵)

امام علی (ع) می‌فرمایند: «قوم و برپایی شریعت و دین، امر به معروف و نهی از منکر است». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۷۶۳۹)

این واجب، جنبه دنیوی و اخروی دارد؛ در دنیا زندگی معنوی و پاکی داشته باشد و در آخرت هم بالطبع زندگی پاکی تأمین شود. در بیانات امام علی (ع) دین سه مسئله است: امر کردن به معروف، نهی کردن از منکر، برپا داشتن حدود؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۷۶۳۹) امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از اوصاف خداوند است که عمل به آن نه اجل را نزدیک می‌کند و نه روزی را کاهش می‌دهد. (سید رضی، ۱۳۸۴، خطبه ۱۵۶)

ترک امر به معروف و نهی از منکر آثاری همچون: شریک شدن در گناه گناهکاران، (نساء، ۱۴۰) عذاب فراگیر، (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۵۵) دوری از رحمت خدا (مائده، ۷۸ و ۷۹) و... دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت محافظت از احکام و قوانین فردی و اجتماعی، در حمایت از امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف مثل جهاد نیز از کشور اسلامی دفاع می‌کند، جهاد از بیرون و امر به معروف و نهی از منکر از درون دفاع می‌کند؛ در این صورت جامعه اسلامی در برابر دشمنان خارجی در امان است. (عابدی میانجی، ۱۳۹۲، ص ۳۷) بنابراین یکی از مبانی سبک زندگی اسلامی، اجرای امر به معروف و نهی از منکر است که برای جامعه اسلامی، به مثابه قلبی تپنده است که هر لحظه اصول و ارزش‌های اسلامی را به تمام اعضای آن پمپاژ می‌کند.

نتیجه‌گیری

سبک زندگی، که معادل عربی آن نهج‌الحیاه و معادل انگلیسی آن life style است، به معنی روش زندگی کردن و به عبارت ساده شامل باورها، بینش‌ها و اعتقادات هر فردی در زندگی‌اش است. در بین انواع سبک‌های زندگی بهترین و مناسب‌ترین روش، از آن اسلام است. سبک زندگی به عنوان مفهومی ساده، قدمتی به اندازه بشریت دارد، زیرا هر فرد شیوه و سبکی را در زندگی در پیش گرفته است؛ ولی به عنوان مفهوم نظری کاملاً نوظهور است و اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر، روان‌شناس اجتماعی مطرح شد و بعد از آن، مورد توجه بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، دانش سلامت، تجارت، تبلیغات و رسانه و... قرار گرفت.

سبک زندگی اسلامی، در واقع به معنای چشم‌پوشی از لذات و نعمات دنیوی نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال

کرده است، حرام نکنید». (مائده، ۸۷) در این روش، زندگی رنگ خدایی می‌گیرد؛ یعنی انتخاب روش و شیوه صحیح زندگی در ضمن تأمین خواسته‌های معنوی و مادی که در نهایت، زمینه رضایت و خشنودی حق تعالی فراهم شود. از این رو تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

سبک زندگی اسلامی دارای مؤلفه‌های مختلفی از جمله: انس با قرآن، بصیرت دینی، امر به معروف و نهی از منکر، تربیت بر اساس انسان کامل، توکل، تقوایشی، خودباوری، عمل بر اساس سنت و سیره اسلامی برخی از این مؤلفه‌ها در حیطه‌های مختلف بروز پیدا می‌کند، از جمله در حیطه اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و... در دنیای معاصر انواع زیادی از سبک‌های زندگی وجود دارد، که تفاوت آن‌ها در انواع اندیشه، باور، دین و مذهب است؛ لذا انتخاب هر نوع سبک زندگی در تمام جوانب رفتار و عملکرد افراد مؤثر است.

در گزینش سبک زندگی، نکته مهم این است که اگر فردی بخواهد سبک زندگی خود را انتخاب کند در نگاه غیردینی، این انتخاب بر اساس سود و لذت است؛ چون اصالت با فرد و علایق اوست اما در اسلام، باید فرد مسلمان زندگی خویش را بر اساس اصول و آموزه‌های دینی شکل دهد. در نتیجه مبانی زندگی یک فرد مسلمان بر اساس معارفی است که از طریق قرآن کریم اخذ می‌شود، پس بر ما سزااست که به بهترین روش زندگی کنیم و روش زندگی خود را از کتابی بگیریم که صاحبش، خود معلم اول است؛ همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست، آموخت. (سوره علق، آیه ۵-۴) قرآن بزرگترین و مهمترین و برترین منبع هدایتی بشر برای رسیدنش به سعادت می باشد لذا تمام دستورالعمل‌های لازم در حیطه های مختلف اعم رفتارهای فردی در خانواده و اجتماع و تعاملات مختلف با افراد مختلف که تعیین کننده جایگاه اخرویش می باشد در سبک زندگی اسلامی معیار و مبنای اعمال انسان قرآن کریم است.

سبک زندگی اسلامی سر منشأ برکات و نعمات بسیاری است که کاملاً آثار و نقش سازنده ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. به راستی در جوامعی که بر اساس سبک زندگی اسلامی عمل می کنند افراد آن، در چارچوب اعتقادات دینی و الهی حرکت کرده و فضای سالم و مناسب که به دور از رذایل اخلاقی و عدم تبعیت از سبک زندگی غیراسلامی است، برای خویش مهیا می کنند. و در پرتو این گوهر گرانبها در یک حالت روحی روانی خاص قرار می گیرند که در برابر ناملایمات و سختی های زندگی مقاوم بوده، و به تبع، آثار مثبتش در زندگی آنان نمایان است چراکه تمام دستورالعمل‌های سبک زندگی اسلامی مطابق نیازها و هماهنگ فطرت است. بنابراین تحقق سبک زندگی اسلامی نیازمند تلاش در زمینه شناسایی موانع و توجه به راهکارهای رفع موانع می باشد. برخی از موانع مطرح شده در این نوشتار عبارتند از: مهجوریت قرآن، ضعف اعتقادی، التقاط فرهنگی، بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر می باشد و در مقابل راهکارهایی برای رفع این موانع از جمله انس با قرآن، بصیرت دینی، اهتمام به تعلیم و تربیت اسلامی، اهتمام به معنویت و عبادت در اسلام و همچنین احیای امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده است. انسان با گزینش سبک زندگی اسلامی سیر صعودی خود را به سمت کمال نهایی طی کرده و در کمال کردار، منش و سیر زندگی اش گرایشی به سمت نیکی ها و فضایل اخلاقی دارد. به امید روزی که این امر محقق شود.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه .
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر. ج ۱۱.
۴. ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.
۵. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد: تهذیب اللغة؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶. بهشتی، محمد و همکاران، (۱۳۸۳)، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات. چاپ اول.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۹. خمینی، روح الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. دلشاد تهرانی. مصطفی. (۱۳۷۸). تربیت در نهج البلاغه. تهران: اندیشه جوان.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۰). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رضی، سید شریف. (۱۳۸۴). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). میزان الحکمه. ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۱۴. سخنرانی مقام معظم رهبری، سبک زندگی اسلامی، ۸۲/۷/۲.
۱۵. صدوق، ابوجعفر بن علی بن بابویه، (۱۳۸۹)، معانی الاخبار، محقق علی اکبر غفاری، ۱۳۸۹ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۶. طباطبایی ۱۳۸۷ ص ۲۹.
۱۷. قطبی و همکاران. (۱۳۹۳). شناسایی و تحلیل ابعاد و مؤلفه های خدا باوری سبک زندگی در آموزه های رضوی (همایش ملی سبک زندگی رضوی)
۱۸. فلسفی، محمد تقی. (۱۳۷۹)، تفسیر دعای مکارم الاخلاق. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: نشر معارف.
۲۰. کجباف، محمد باقر و همکاران. (۱۳۹۰). رابطه سبک زندگی با شادکامی، روانشناسی و دین. سال چهارم، شماره ۴.
۲۱. کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). الکافی. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. چاپ سوم. کتاب فضل العلم. ج ۱. کتاب العقل و الجهل. ح ۱۲.
۲۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳)، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، تلخیص سید حمید حسینی، چاپ چهاردهم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث،

۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). بزرگ‌ترین فریضه. تحقیق و نگارش قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه امام خمینی.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مجموعه آثار. ج ۱۵. قم: انتشارات صدرا.
۲۶. معین‌محمد، (۱۳۵۳). فرهنگ فارسی، چاپ ششم، مؤسسه چاپ و انتشار افشار.
۲۷. مروتی، سهراب، رویکرد تربیتی به صبر، مولفه‌ها و مصادیق آن در سوره یوسف (ع)، (با نگاه انتقادی به روایت تفسیری)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث دوره ۳، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۲۸. مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). چاپ دوم.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۵). المفردات الفاظ قرآن. ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی. چ دوم. تهران: مرتضوی. باب صلح.
۳۰. صالحی، پیمان و مهدی اکبرنژاد، ۱۳۹۲، بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، هفتمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۳۱. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه بی تا.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ چاپ دوم، قم، هجرت ۱۴۱۰ ق.
۳۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ قاموس المحيط؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳۴. عابدی میانجی، محمد، (۱۳۹۲)، امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم، قم: معروف.